

تکمله‌ای بر ضرب‌المثل‌های نهاوندی

کرم‌خدا امینیان

اشاره :

همان‌طور که در بخش پایانی ضرب‌المثل‌ها (فرهنگان ۱۷) اشاره شد این مجموعه به نقل از استاد کرم‌خدا امینیان در قالب ۴۵۰ ضرب‌المثل با توضیحات و به تدریج (از فصل‌نامه‌ی شماره‌ی یک تا شماره‌ی هفده‌ی فرهنگان) به اطلاع خوانندگان گرامی رسید. در این شماره چند مورد دیگر به عنوان تکمله‌ای بر آن مجموعه از سوی ایشان برای فصل‌نامه ارسال گردید که ضمن تشکر مجدد از استاد، از نظرتان می‌گذرد.

از آن‌جایی که دامنه‌ی کاربرد امثال و حکم در زبان اصیل فارسی و گویش‌های زیر مجموعه‌ی آن، از جمله گویش نهاوندی بسیار گسترده است، ضمن این که خوانندگان مجله مشتاق استمرار بخشیدن به درج آن‌ها هستند، فصل‌نامه امیدوار است از این پس نیز مجموعه‌های دیگری از ضرب‌المثل‌های قدیم و جدید نهاوندی اعم از مرکز شهرستان (نهاوند) و روستاهای آن از سوی فرهنگ دوستان همشهری شناسایی و ثبت گردد و آن‌ها را برای این فصل‌نامه ارسال فرمایند تا در ادامه‌ی نمونه‌های چاپ شده با درج در شماره‌های بعدی مجله به اطلاع علاقه‌مندان برسد.

«فرهنگان»

۴۵۱- اَبْرُ مُرْخِ اَيوارَه، اَفْتَوِ صَوْنَه دَارَه. ابر قرمز رنگ هنگام غروب، آفتاب فردا صبح را به دنبال دارد.

این ضرب‌المثل ضمن این که نوعی پیش‌بینی هواشناسی در قدیم را بیان می‌کند، برای مخاطبانش دارای پیام امیدبخش بوده است و از آن برای تسلی و دل‌داری دادن به دیگران به مصداق اِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا، استفاده می‌کرده‌اند. «از پی این تیره شب صبحی است رخشان غم مخور»

۴۵۲- اَدْرَ مَرْدِمَه مَوْخَم، اَمِيُو خُوِيَمَه! از بیرون مردم را سوزانده‌ام، از درون خودم را. زبان حال کسی است که زندگی او در درون دچار آشفتگی و گرفتاری و ناهنجاری است، اما دیگران فکر می‌کنند او زندگی خوب و راحتی دارد. بعضی حسرت زندگی او را می‌خورند و او تأسف زندگی خود را! کسی از درون کس دیگر خیر ندارد.

۴۵۳- اَوِ شَوُ- خَوِ رُوْز مَدَه خِرَاو مَكْنَه، بِيُوَه زَن بَچَه دَارِ خَنَه خِرَاو مَكْنَه! آب خوردن در شب و خوابیدن در روز سبب بیماری معده می‌شود، هم‌چنان که بیوه زن بچه‌دار، خانه‌ی شوهر جدید را خراب می‌کند!

این ضرب‌المثل از جهتی پیام بهداشت و تندرستی برای مردم دارد و از جهت دیگر بدبینانه ازدواج با زنان بیوه و بچه‌دار را تقبیح می‌کند. طبیعی است که ازدواج‌های نامتناسب و غلط و برخاسته از هوا و هوس موجب بروز بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی می‌شود و منحصر به ازدواج با زن‌های بیوه نیست.

۴۵۴- ای بار و ای بار خُنه نِمُوفَه . این بار در این بارخانه نمی ماند.

این ضرب‌المثل برای بیان ناپایداری جهان گفته می‌شود. یعنی کارهای دنیا همیشه به یک صورت باقی نخواهد ماند و آنچه را که ما مشکل می‌پنداریم روزی آسان خواهد شد. البته ضمن صبر و شکیبایی برای رفع مشکلات، اقدام و عمل مثبت هم لازم است، به قول حافظ:

دور گردون گردو روزی بر مراد مانگشت دائماً یکسان نمآند حال دوران غم مخور

۴۵۵- بی رُوغَه سُرُخَش مَكْتَه ابدون روغن سُرُخَش می کند!

لازمه‌ی سرخ کردن غذا (گوشت، سیب‌زمینی و...) استفاده از چربی و روغن است. پس اگر کسی مدعی شد غذایی را بی روغن سرخ کرده است باید در صداقت عملش شک نمود.

این ضرب‌المثل ناظر به حال کسانی است که از روی چاپلوسی و مداهنه به هر کاری دست می‌زنند بدون آن که در انجام آن اثر مثبتی داشته باشند. دلسوزی آن‌ها فقط در حرف و لفظ خلاصه می‌شود و نشانی از عمل و اقدام ندارد.

گاهی هم این ضرب‌المثل درباره‌ی کسی گفته می‌شود که در کارش بسیار ماهر و تردست باشد. نظیر ضرب‌المثل فارسی «فلانی از آب کره می‌گیرد». کنایه از کسی که زرنگ و همه فن حریف است.

۴۵۶- پول بی زُونه دِیینِ دسِ آیم زُو دار! پول بدون زبان را به دست آدم زبان‌دار داده‌ای! وقتی شخص سر و زبان داری موجودی تو را که بی زبان است در اختیار گرفت، دیگر چه طور می‌توانی مالت را پس بگیری؟ در همین زمینه ضرب‌المثل دیگر نهاوندی گفته است: مالِم وِ کِلِمِ عَقْلَم وِ کَلَم . یعنی مالم در بغلم است و عقلم در سرم. آری اگر مالم را به هر عنوان دیگران تصاحب کنند عقل هم از سرم دور می‌شود و سراسیمه می‌شوم. عنان مال خودت را به دست غیر مده که مال خودت را از گدایی نیست

۴۵۷- چشاش رفته آلو وَاوَجِیَه چشم‌های او به چیدن آلبالو (آلبالو) رفته است! یعنی چشم‌های او قرمز شده، و قرمز شدن چشم نشانه‌ی خواب آلود بودن است. در مجالس شبانه وقتی کسی را خواب می‌گرفت دیگران درباره‌ی وی این عبارت را می‌گفتند.

«آلووالو» یا «آلی والی» گونه‌هایی از تلفظ نهاوندی «آلبالو» است.

۴۵۸- حسین کُرد چُتلی نَشِس مُرَوَفَه خورد! حسین کُرد روی پا نشست و گربه را خورد! کتاب «حسین کُرد» هم چون کتاب «امیرارسلان نامدار» از جمله کتاب‌هایی بوده که در بین مردم شهر و روستاهای نهاوند به خصوص در زمستان‌ها زیاد خوانده می‌شده است. تا آن‌جا که قهرمان کتاب (حسین کُرد) ضرب‌المثل شده و در این‌جا نماد پهلوانی است که چُمباته (= چُتلی) نشسته و گربه‌ای را قورت داده است!

این مثل به کسی که کاری را سریعاً انجام می‌داد و یا مالی را به ناحق بالا می‌کشید گفته می‌شد.

۱۶۹- «خُورَه | خویٔ عرومی نویی؟ مادر زن یا مادر شوهر! آیا خودت عروس نبوده‌ای؟ ضرب‌المثل خطابش به مادر زن‌ها و مادر شوهرهاست و هشدار می‌دهد که چرا با گفتن کلمات تلخ و حرکات نامتناسب زندگی را به کام زن و شوهر جوان تلخ می‌کنی؟ برخورد نادرست عروس و مادر شوهر یا داماد و مادر زن در واقع برخورد دو نسل قدیم و جدید با دو فرهنگ و تفکر متضاد است. که البته عمومیت ندارد و با کمی گذشت و مهربانی و رفتار آمیخته به احترام این مشکل حل خواهد شد.

۱۷۰- داشی، کاشکی شامی چنجاش چی خروزه جَم بی و مینجاش ای کاش که هندوانه هسته‌هایش مثل خربزه در وسط آن جمع بود (تا خوردنش آسان‌تر باشد!) در گویش نهاوندی به برادر یا بعضی بستگان نزدیک «داشی» می‌گویند که ظاهراً تغییر یافته‌ی «داداشی» باشد. «شامی» واژه‌ی نهاوندی برای «هندوانه» است و «چنجه» به «هسته» میوه گفته می‌شود. «مینجا» هم تغییر یافته‌ی از «میان‌جای» است به معنای در میان و وسط.

این ضرب‌المثل زبان حال اشخاصی است که به جای تحمل سختی در کارها به فکر پخته خواری و بهره برداری فوری هستند و حاضر نیستند بپذیرند: «نابرده رنج گنج میسر نمی‌شود».

۴۶۱- دراز کی پارس مکنه! (این سگ) در حالی که دراز کشیده پارس می‌کند! در دهات دیده می‌شود سگی که تنبل یا ناتوان است در گوشه‌ی بامی دراز می‌کشد و هر وقت دیگر سگ‌ها با سر و صدای زیاد پارس می‌کنند، او هم زحمت می‌کشد و فقط یکبار «عو» می‌کند! طبیعی است که مردم و حتی سگ‌ها به پارس کردن بی‌ثمر و بی‌خطر او توجهی ندارند، چون می‌دانند دیگر کاری از او ساخته نیست. این ضرب‌المثل درباره‌ی کسی گفته می‌شود که قابلیت‌های خود را از دست داده و منشأ اثری نیست و دیگران به دخالت و اظهار نظر او در امور، زیاد اهمیت نمی‌دهند. هرچند حرمت او را نگاه می‌دارند.

۴۶۲- دختر و گواره، جازش پاره، پاره. دختر در گهواره است و جهیزیه‌اش تکه‌تکه (در حال آماده شدن است).

این مثل، پدران و مادران را متوجه می‌سازد که از همان ابتدا به فکر آینده‌ی فرزند خود باشند و اندک اندک و در حد توانایی نیازهای او را فراهم سازند، تا در آینده غافل گیر نشوند. یادآوری این ضرب‌المثل برای دیگران نیز تأکیدی برای آینده‌نگری و برنامه‌ریزی دراز مدت آنان است. گواره (گهواره) و جاز (جهازیه) دو نمونه‌ی دیگری از اختصارگرایی گویش نهایندی است.

ضرب‌المثل دیگری در این باره گفته است: «عروس که جاز نداره ای همه [= این همه] ناز نداره!» یکی از ملاک‌های مهم امروزی برای احترام و آبروی عروس، داشتن جهیزیه‌ی فراوان از نوع آخرین مدل آن است. ای کاش همین قدر که خانواده‌ها به جهیزیه اهمیت می‌دهند به خصوصیات اخلاقی و شخصیت و منش و دانش عروس هم اهمیت بدهند.

۴۶۲- **دُرِّ مِینِ زُرِّ جَمَه** (فلانی) مروارید در میان پارچه‌ی کهنه و مندرس یافته است!
 «دُرِّ میان پارچه‌ی کهنه» استعاره از زن یا دختری زیباست که در خانواده‌ای فقیر زندگی کرده است، اما برای همسرش از هر جهت شایسته و پرازنده است و شوهرش نیز قدر چنین همسری را مثل دُرّ و گوهر می‌داند. بنابراین جا دارد که شوهرش به عنوان گوهرشناس مطرح شود و سر زبان‌ها بیفتد.

گویا در چنین مواردی است که دیگران به طنز یا از روی حسادت می‌گویند:
 «میوه‌ی خو نصیو شغال ما!» یعنی میوه‌ی خوب نصیب شغال می‌شود!

۴۶۴- **دُشْنَامُ نُفْرَى نُقْصُونَه**، **دَلْ خَوْشِ كُنْكَ كَسُونَه** دشنام و نفرین (ناشی از) نقصان (منطق و دلیل) است و اشخاص با توسل به آن (دشنام و نفرین) تنها خود را دل‌خوش می‌کنند! وقتی انسان حقی دارد و برای اثبات آن حق مدرک و دلیل مثبت و درست در اختیار دارد، دیگر به فحاشی و بد دهنی نیازی نیست. چه آن‌که گاهی فحاشی و نفرین موجب می‌شود که اشخاص شرور و مغرض وجهی حق به جانب به خود بگیرند و در نتیجه حقوق دیگران را تضییع نمایند.

۴۶۵- **رَايِ رَايِ بَرُو، آيِرِ چِه دَوْرَه**، **زَن بِيَوَه نَخَا آيِرِ چِه حَوْرَه**. راه راست برو اگرچه دور است و با زن بیوه ازدواج ممکن اگرچه مثل حوری است.

به نظر می‌رسد رواج چنین ضرب‌المثلی ریشه در هوس‌رانی مردانی داشته که در ازدواج با بیوه - هرچند زیبا - مصلحت‌اندیشی‌های لازم را به کار نگرفته‌اند و طولی

نکشیده که شرایط خاص آن زن (داشتن فرزندان از شوهر اول و سایر مسائل خانوادگی و اجتماعی) و توقعات به جا و نابه‌جای شوهر دوم، زندگی را به کام آنان تلخ کرده است.

۴۶۶- شاخ و سَلاخُهُ نَمُونَهُ | شاخ در سلاخ خانه نمانده است!

این ضرب‌المثل را به کسی می‌گفتند که سحر خیز نبوده و به محل موعود دیر رسیده است. در نتیجه همه چیز تمام شده و کار از کار گذشته است. دریغ از راه دور و رنج بسیار. بی سبب نیست که گفته‌اند: *فِي التَّأخِيرِ آفَاتٌ*، همان قدر که صبر و بردباری و تأنی مستحسن است، در پاره‌ای از امور، رنگ کردن و مسامحه نمودن و از دست دادن فرصت‌های خوب ناپسند و در خور ملامت است.

سابقاً کسانی که می‌خواستند کله‌پاچه و جگر بند تهیه کنند صبح زود به سلاخ‌خانه (کشتارگاه)، که خارج از شهر نهاوند بود، مراجعه می‌کردند و اگر کسی وقت شناس نبود و به موقع نمی‌رسید با دست خالی برمی‌گشت. زیرا حتی شاخ ذبح شده‌ها را هم برده‌بودند چه برسد به دل و جگر و کله‌پاچه!

۴۶۷- عزیز دل صدیقَه زور ش کُنی مِطِيقَه | (این کودک که) عزیز دل صدیقَه است،

(آن قدر ضعیف و نحیف است که) اگر فشارش بدهی مثل میوه رسیده له می‌شود!
این عبارت آهنگین و استعاری را من باب شوخی به بچه‌های ضعیف می‌گفته‌اند و به دنبال آن برای دل گرمی و تسلی مادر می‌گفته‌اند: *بِجَهِّه*، گوشش هِسا و تَخِجَه! (بچه،

گوشتش در طاقچه است!) یعنی چاق و قوی شدن کودک دور از دسترس نیست، چنان که مثلاً گوشت او در طاقچه‌ی اتاق است. به‌خصوص اگر دختر بود از سر مزاح به مادرش می‌گفتند: «غصه نخور، دختر و مُفِ خُیش بزرگ ما!» یعنی دختر با آب دماغش بزرگ می‌شود! آن‌ها خبر از هزینه‌ی بزرگ کردن کودک در روزگار ما را نداشتند.

۴۶۸- غِرِمَاتِ بَقْتَه مینتوا! غرما ت بیفتد بین شما!

این مثل نوعی نفرین است. یعنی خدا کند از آن‌چه به ناحق به دست آورده‌اید برخوردار نشوید و از دستتان خارج شود و دچار پراکندگی و دربه‌دری گردید. «غِرِمَات» در گویش نهاوندی ظاهراً گونه‌ای از تلفظ «غُرْمَا» است. غُرْمَا جمع «غَرِمِم» است به معنی طلبکاران و غرامت‌دیدگان. سابقاً وقتی یک تاجر به افلاس و ورشکستگی می‌افتاد غُرْمَا سر می‌رسیدند و آن‌چه را که منقول و غیر منقول از وی باقی مانده بود بین خود به نسبت طلبی که داشتند تقسیم می‌کردند و بعضی به شوخی به دیگران می‌گفتند:

«آ تاجری، جری مُنه!» از تاجری «جری» باقی مانده! «جر» در گویش نهاوندی صدایی است که به عنوان تحقیر یا تمسخر از دهان خارج می‌شود.

۴۶۹- کار و سر آمیه حکیمه. شخص کاردیده و تلخ و شیرین روزگار چشیده، حکیم شده است.

به‌راستی هر یک از رویدادهای خوب یا بد برای آدمی درس و پند است. هرچند خیلی از انسان‌ها از حوادث پند نمی‌گیرند. علی علیه‌السلام فرموده‌اند:

مأکثر العبر و ما أقل الإعتبار! چه بسیارند پند آموزها و چه کم هستند عبرت‌گیری‌ها!

۴۷۰- کور کاری نَره، مِجَه مِکَنه | کور (وقتی) کاری ندارد، مژه می‌کند!

ممکن است کندن مژه برای نابینایی که از چشم و لوازم آن از جمله مژه بهره‌ای ندارد کاری مقبول باشد. اما مردم این کار او را عملی معقول تلقی نمی‌کنند. ضمن این که این ضرب‌المثل را درباره‌ی کسی نیز به کار می‌برند که دست به کارهای زیانبار می‌زند در حالی که خود به اثر سوء کار خود آگاه نیست و می‌دانیم «بیکاری» خود منشأ آثار سوء می‌شود.

۴۷۱- میره که لاته داره، چوت و فلون آساره | (ای خانم) شوهرت که هوای تو را داشته باشد، چوب تو به فلان ستاره می‌رسد!

«میره» در گویش دهات اطراف نهبوند به معنی «شوهر» است. مراد از مثل این است که برای یک زن حمایت شوهر بسیار مهم است و در این صورت هیچ کدام از فامیل شوهر نمی‌توانند به زیان او اقدامی کنند یا علیه او حتی سخنی بگویند.

در واقع ضرب‌المثل به طور غیر مستقیم به عروس خانم‌های جوان درس می‌دهد که اصل و اساس پایدار ماندن و دوام زندگی جلب رضایت شوهر است و بقیه مسائل در حاشیه قرار دارند.

۴۷۲- نه بیمار - سرِ جا، نه آزاد - سرِ پا . (فلانی) نه مریض زمین گیر است و نه کاملاً سالم .

این عبارت توصیف اشخاص دردمند و کم‌بنیه‌ای است که آن‌چنان بیمار نیستند تا بستری شوند و آن‌چنان هم سالم نیستند که مثل دیگران آمد و رفت و زندگی فعال

داشته باشند. (در گویش نهاوندی کلمه‌ی «آزاد» به معنی تندرست رواج دارد در مقابل کلمه‌ی «بیمار»)

سابق رمال‌ها و فال‌گیرها این عبارت را در وصف مشتریان خود می‌گفتند تا آن‌ها را به سخنان خود مجذوب و سپس سرکیسه کنند!

۴۷۳- نه خَرمِ وئی باره، نه بارمِ وئی خوره انه الاغ من زیر این بار است نه بار من بر پشت این الاغ!

این ضرب‌المثل ناظر به کسانی است که فقط به رفاه شخصی خود فکر می‌کنند و نسبت به دیگران هیچ مسئولیتی احساس نمی‌کنند و از هیچ وضعیتی متأثر نمی‌شوند و اگر دیگران را آب ببرد آنان را خواب می‌برد! به قول سعدی:

خفتگان را خبر از محنت بیداران نیست تا غمت پیش نیاید غم مردم نخوری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۴۷۴- هر که بی‌خرا ایما مایم پالو، هر که بی‌در ایما مایم دالو! هر کس خر شد ما برایش پالان می‌شویم و هر کس در شد ما برایش دالان می‌شویم!

این ضرب‌المثل زبان حال افرادی بی‌تعهد و راحت‌طلب است. اینان حاضرند با هر شرایطی خود را وفق دهند تنها برای این که چند صباحی به زندگی حیوانی خود بیش‌تر ادامه دهند. هدف‌های عالی انسانی و آرمان‌های ارزشمند بشری برای چنین افراد سست‌اراده و زیون‌جایگاهی ندارد. نه در دوستی آنان نفعی متصور است و نه در دشمنی آن‌ها بیمی.

کلمه‌ی «ایما» به معنی «ما» بازمانده‌ی زبان پهلوی است و با تغییر کم‌تری هم‌چنان در گویش نهاوندی رایج مانده است. این واژه در گویش کردی با تلفظ «ایمه» رواج دارد.

۴۷۵- هر که چِشِت بکَنه ، چشاش با پَمه کُنه اهر کس تو را چشم زخم بزند و نظر بکند ، خدا کند چشم‌های او مثل «پنبه کهنه» کثیف و تیره و تار شود !

این ضرب‌المثلِ شعرگونه را مادران برای بچه‌های کوچک خود می‌خواندند . گاهی اسفند به آتش می‌ریختند و هم‌زمان می‌خواندند :

اسفنـُ اسفن دُونه ، اسفند صد و سی دُونه ، هر که تونه چِش بکَنه ، چشاش با پَمه کُنه .

«والسلام»

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی